

کتابشناسی هنر اسلامی

تهیه کننده

پایگاه اطلاع رسانی سراسری اسلامی (پارسا)

مؤسسه اطلاع رسانی اسلامی مرجع

۱۳۸۴

کتابشناسی هنر اسلامی / تهیه کننده پایگاه اطلاع رسانی سراسری اسلامی (پارسا). - قم مؤسسه
اطلاع رسانی اسلامی مرجع، ۱۳۸۴.

۱. ج. + لوح فشرده. : نمودار.

۶۸۰ ص.

(جلد گالینگور به همراه لوح فشرده): ۱۵۰۰۰۰ ریال.

ISBN: 964-8704-12-0

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیا.

۱. هنر اسلامی -- کتابشناسی. ۲. معماری اسلامی -- کتابشناسی. ۳. اسلام -- کتابشناسی.

الف. پایگاه اطلاع رسانی سراسری اسلامی (پارسا). ب. مؤسسه اطلاع رسانی اسلامی مرجع.

۰۱۶/۷۰۹۱۷۶۷۱

Z۵۹۵۶/۵۵۵۵

۱۳۸۴

عنوان: کتابشناسی هنر اسلامی

تهیه کننده: پایگاه اطلاع رسانی سراسری اسلامی (پارسا)

ناشر: مؤسسه اطلاع رسانی اسلامی مرجع

چاپ: اول

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تاریخ انتشار: ۱۳۸۴

چاپ و صحافی: کیمیا

طرح روی جلد: سیمای مبین

بها: با جلد گالینگور به همراه لوح فشرده: ۱۵۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۸۷۰۴-۱۲-۰

نشانی: قم: بلوار شهید صدوقی، کوچه شماره ۱۱، پلاک ۷۲، صندوق پستی: ۳۷۱۶۵-۱۵۹، تلفن: ۲۹۱۰۷۰۵ (۰۲۵۱)، نمابر: ۲۹۳۱۳۵۶ (۰۲۵۱)

آدرس اینترنت: www.IslamicDataBank.com

کتابشناسی هنر اسلامی

زیر نظر

احمد مسجدجامعی

سرپرستار

محمد سمیعی

مدیر پژوهشی و ویراستار

محمد رصافی

گروه مشاوران

مرتضی رضوان فر و سید عبدالمجید شریفزاده

گروه مآخذشناسی

سیداصغر احمدی، محمدتقی زهرایی فرد، محمدصادق اسماعیل پور، محمدرضا ملکی،
محمدصادق کیمیائی فر، مجید مردانی، مبین صالحی، علی نجفی نژاد و مهدی پوراسماعیلی

گروه چکیده نویسی

علی آقانوری، محمد ملکی، محمود طیار مراغی، علی احمدی میرآقا، علی خاتمی،
عبدالله قیصری، لقمان سرمدی، مجید مردانی، مهدی پوراسماعیلی و مبین صالحی

نمایه ساز

علی احمدی میرآقا

گروه اجرایی

محمود غلامی، سیدجواد سیدصبور، اسدالله باقری و محمود کاظمی

گروه فنی

علی اسماعیل پور، جواد زند، محسن دز، رضا صاحبی، سیدمحمدحسین فخری و محمود غلامی

مسئول هماهنگی و ارتباطات

امیرحسین شرافت

واژه نگاران

یوسف درویش، هاشم روحانی، سیدمهدی ناطقی و مجتبی باقرنژاد

فهرست مطالب

نهم	سرآغاز
یازدهم	مشخصات کتابشناسی و راهنمای استفاده‌کنندگان

کلیات

۱	مباحث عمومی
۲۵	تاریخ هنر اسلامی و هنر در جهان اسلام
۳۲	فلسفه هنر
۴۳	موزه‌ها، نمایشگاه‌ها و مراکز هنری
۵۳	هنر دینی و اسلامی
۸۶	هنرهای اقوام و ملل

ادبیات

۱۰۱	مباحث عمومی
۱۰۲	داستان
۱۰۵	ادیبان و شاعران
۱۰۶	شعر و نثر

خوشنویسی

۱۰۹	مباحث عمومی
۱۲۸	خط
۱۳۶	خوشنویسان
۱۵۹	خوشنویسی قرآن
۱۶۳	میراث خوشنویسی

صنایع دستی

۱۷۵	مباحث عمومی
۱۷۷	سفالگری و سرامیک‌سازی
۱۸۵	صنایع چوبی
۱۸۹	صنایع فلزی
۱۹۷	نساجی و فرش
۲۰۷	دیگر صنایع

معماری

۲۱۷	مباحث عمومی
۲۴۲	آثار هنری و تاریخی
۲۶۲	باغ و باغ‌آرایی
۲۶۵	بناهای آرامگاهی و زیارتگاهها
۲۷۴	تزئینات معماری
۲۹۰	شهر و شهرسازی
۲۹۸	کاشی و کاشیکاری
۳۰۳	مساجد
۳۵۷	معماران و بنایان
۳۶۰	معماری گنبدها و برجها
۳۶۴	معماری مناطق

موسیقی

۳۷۵	مباحث عمومی
۳۹۴	احکام فقهی موسیقی
۴۰۳	گونه‌های موسیقی
۴۰۵	موسیقی‌دانان و آوازخوانان

نقاشی

۴۱۳	مباحث عمومی
۴۲۲	احکام نقاشی و مجسمه‌سازی
۴۳۶	اسلیمی و نقوش تزئینی
۴۴۱	تذهیب و تشعیر
۴۴۷	گونه‌های نقاشی
۴۵۳	میناتور و نقاشی ایرانی
۴۷۰	نقاشان
۴۹۱	نقاشی کتب و کتاب‌آرایی

هنرمندان و هنرپژوهان

هنرهای نمایشی

۵۱۱	تعمیه، شبیه‌خوانی و آیین‌های مذهبی
۵۲۶	سینما
۵۳۸	نمایش و هنرهای نمایشی

فهرستواره‌ها

۵۴۳	فهرستواره عنوانها
۵۸۱	فهرستواره پدیدآورندگان
۶۰۵	فهرستواره ناشران
۶۱۱	فهرستواره نشریات
۶۲۷	فهرستواره الفبایی موضوعات
۶۴۷	فهرستواره عنوانهای لاتین

نمودارها

سرآغاز

آن‌گاه که خداوند دست به آفرینش زد همه چیز را همچون خود زیبا آفرید تا جلوه‌ای از زیبایی و جمال حق باشد و در نهایت خود را سزاوار بالاترین ستایش هستی دانست و فرمود: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون/۱۴) و در این میان از اقیانوس بی‌انتهای جمال و کمال خود جرعه‌ای در کام آدمی ریخت و در او ودیعه‌ای نهاد تا او نیز زیباشناس و زیباآفرین باشد و بدین گونه هنر آفریده شد. هنر عنصری اساسی در فرهنگ و تمدن و دارای تأثیراتی ماندگار بر تاریخ و تفکر بشر است. هنر همزاد آدمی است و در حقیقت هنر از انسان ظهور یافته و باید در ارتباط با انسان معنا شود. یکی از بارزترین ویژگی‌های هنر آن است که زبانی بین‌المللی و برای همه بشریت است و هر چه لباس هنر بپوشد همه فهم و همه خواه خواهد شد، زیرا هنر تنها گوش و چشم را نمی‌نوازد بلکه هوش و قوه عاقله را نیز به خدمت می‌گیرد و عواطف و احساسات و عقل و وجدان را تحت سیطره خود قرار می‌دهد.

گروهی از انسانهای مدرن امروزی که به همه سنت‌های پیشین پشت‌پا زده‌اند، خاضعانه در پیشگاه جلوه‌های هنری زانو می‌زنند و سرمایه‌های بسیاری را صرف حفظ و خلق آثار هنری می‌نمایند چرا که می‌دانند آنچه هنری شد می‌ماند و گرنه می‌میرد. برآستی چه چیزی از قوم عرب جاهلی به جز تعلقات سبع مانده است؟ آیا حمورابی و کوروش و داریوش جز در پرتو آثار هنری خویش زنده هستند؟

رابطه دین و هنر از مسائلی است که تاکنون کمتر مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است و به نظر می‌رسد نوعی رابطه تعاملی بین این دو برقرار بوده و هست. آموزه‌ها و تعالیم دینی بدون شک در خلق آثار هنری نقش داشته و در جوامع دینی آثار هنری کاملاً همسو با مفاهیم و تعالیم دینی دیده می‌شود. از سوی دیگر ارباب ادیان برای جاودان ساختن ارزشها و نگرشهای دینی خود به نحوی از هنر بهره گرفته‌اند و لباس هنر بر قامت دین پوشیده‌اند تا دینشان در طول قرون از آفات مصون و محفوظ بماند. هنر دینی می‌تواند آموزه‌های دینی و احساس تعالی را، بدون نیاز به عبور از صافی ذهن و تفکر و اندیشه، به انسان منتقل سازد و این جنبه کاربردی هنر بوده که همواره حاکمان و داعیان دینی را به حمایت و ترغیب از هنر وادار می‌ساخته است.

در این میان «هنر اسلامی» از ویژگی ممتازی برخوردار است. اسلامی بودن هنر به این معنا است که همه هنرمندانی که در دامان فرهنگ اسلامی پرورش یافته‌اند و در حوزه هنر تلاش، ممارست و فعالیت نموده‌اند، اگر اثری را خلق کرده‌اند چه از نظر شکل و چه از نظر مفهوم، منطبق با جهان‌بینی اسلامی است. بنابراین، هنر اسلامی، بی واسطه، از روحانیت و خلوت درونی سنت اسلامی سرچشمه می‌گیرد. هنرمند مسلمان در ایجاد اثر هنری، مهارت فنی را با معرفتی که از شهود معنوی سرچشمه می‌گیرد، در می‌آمیزد. همین خصلت، هنر اسلامی را در جایگاهی فراتر از یک هنر تزینی قرار می‌دهد و زبانی حکمت‌آمیز به هنر می‌بخشد. به همین دلیل فرمها و نقشها در هنر اسلامی همراه با مفاهیم نمادین بیش از همه مورد توجه هنرمند بوده است و بر همین اساس رویکرد بسیاری از مستشرقان به هنر اسلامی که آن را هنری صرفاً تزینی دانسته‌اند مورد نقد قرار می‌گیرد. آنچه این تحلیل را تقویت می‌کند، وجود اشتراک و وحدت و به هم

پیوستگی در هنرهای اسلامی است. این مسئله به خوبی واضح است که اشتراک در معتقدات و آموزه‌های اسلامی، آثار مشابهی از نظر صورت و معنا پدید آورده و این ویژگی، هنر اسلامی را از دیگر هنرها متمایز ساخته است.

صرف نظر از مناقشاتی که در اصطلاح «هنر اسلامی» وجود داشته و دارد، تمدن اسلامی، هنری را در خود پدید آورده که همواره جایگاهی مهم و مرکزی داشته و بنا بر حدیث شریف: «ان الله جمیل یحب الجمال»، زیبایی و نیکی را به ذات خداوند ارتباط داده است. هنر اسلامی نه در مساجد، بلکه در متن زندگی مردم جریان دارد. این هنر در خانه، بازار، مدرسه، مسجد، منبر، محراب و نیز در قلمرو خطاطی آیات و ادعیه، قرائت قرآن، کتابت، صحافی، تجلید، تذهیب، لباس، پرده، ظرف، فرش، کفش، شمشیر، زره، در، دیوار، قلمدان و سرانجام همه جا رخنه کرده است. این امر به سبب آن است که هنر دینی از حس اجتماعی فراگیر اسلامی تغذیه می‌شود و زمینه نفوذش هم، همه گستره این حس اجتماعی است.

هنرمندان و صنعتگران سرزمینهای اسلامی، که البته برخی از آنان هرگز اسلام نیاوردند، زیر فرمان اسلام به شیوه‌هایی دست یافتند که امروزه به عنوان هنر اسلامی شناخته می‌شود. بسیاری از مردم در طی قرن‌ها به پیشرفت هنر اسلامی یاری رسانده‌اند و در بررسی هنر اسلامی باید سرزمینهای پهناور و زمان درازی را در نظر داشت. باید راه‌های دریای مدیترانه، دریای سرخ و اقیانوس هند را درنورسیم و همراه با کاروان شترهای بازرگانان و زائران از یک مرز امپراطوری به مرز دیگرش سفر کنیم. گستردگی هنر اسلامی در طول سالها، ضرورت پویش و کاوش در آن را دو چندان ساخته است.

مسئله‌ای که اینک هنر اسلامی با آن روبرو است مسئله تجدد است. تجدد نوعی سرنوشت و تقدیر تاریخی است که جوامع مختلف در مواجهه با آن واکنشهای متفاوتی داشته‌اند. عده‌ای ضمن ترکیب و تلفیق سنت و تجدد از حالت انفعالی خارج شده و در تحولات فرهنگی جهان امروز سهم گردیده‌اند. برخی نیز به مقابله با تجدد پرداخته و به مقاومت در برابر آن ادامه می‌دهند و در مقابل، گروهی نیز یکسره سنت را رها کرده و به تجدد گرویده‌اند. در باب هنر نیز این سه گرایش به خوبی مشهود است.

به نظر می‌رسد بهترین راه، راه اول باشد اما چگونگی تعامل سنت و تجدد خود تعیین‌کننده و بحث‌آفرین است و اولین پرسش پیش‌رو این است که آیا اساساً چنین پیوندی امکان‌پذیر است یا نه؟ به هر حال اصطلاح هنر اسلامی در دورانی شکل گرفت که موج تجدد، بسیاری از عرصه‌ها را تصرف کرد و هنر اسلامی بیشتر به عنوان یک مجموعه عتیق مورد بحث و کنکاش قرار گرفت، چرا که از نوع برخورد کتابهای مستشرقان با هنر اسلامی به خوبی معلوم است که تعامل آنها با هنر اسلامی به عنوان آثار بسیار ارزنده‌ای است که البته اکنون دیگر نمی‌توان از آن استفاده کرد و کمتر از احیا و بازسازی آن سخن گفته‌اند.

در احیای هنر اسلامی نباید از یک نکته اصلی غفلت کرد و باید به این سؤال به نحو اساسی پاسخ داد که هنرمندان مسلمان اساساً چرا به هنر پرداخته‌اند و چه هدفی از خلق آثار هنری داشته‌اند. این همه شور و اشتیاق نسبت به تزئین نمادهای فرهنگی ریشه در کجا دارد و چه پشتوانه‌ها، بسترها و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی را تداعی می‌کند. اگر پاسخ این سؤال به وضوح داده شود، می‌توان از هرگونه هنر مدرن که به چنین هدفی رهنمون شود بهره برد و همچنان نام آن را هنر اسلامی گذاشت.

انجام طرح کتابشناسی هنر اسلامی همان قدر که می‌تواند در باز شدن افقهای جدید در باب این مفهوم، راهگشا باشد، در مرحله تکوین خود با ابهامات جدی در قلمرو و زمینه کاری روبرو بوده است. به این دلیل، سه سال کار و تلاش مداوم لازم بود تا بتوان به نخستین کتابشناسی هنر اسلامی به زبان فارسی و در ایران اسلامی، دست یافت. مطمئن هستم که این اثر، به عنوان اولین گام در این راه، با تمام محدودیت‌هایی که پیش‌رو داشته است، می‌تواند به نحو شایسته‌ای در مسیر برجسته‌سازی هنر اسلامی و جهت‌دهی به مطالعات هنری یاری برساند.

احمد مسجدجامعی